

به نام خدا

آلساندرا کولونتای

جایگاه زن در روند تکامل اجتماعی

چهارده مبحث تدریس برای دانشجویان زن

در دانشگاه سوربنو به سال ۱۹۶۱

مترجم :

فریدون رهنما

فهرست مطالب

- ۱- پیشگفتار ۵
- ۲- مقدمه ۷
- ۳- مبمٹ اول- جایگاه زن در جوامع اشتراکی نئوسٲین ۱۱
- ۴- مبمٹ دوم- نقش زن در نظام اقتصادی برده داری ۲۹
- ۵- مبمٹ سوم- موقعیت زن در دوران اقتصاد طبیعی بسته ۴۳
- ۶- مبمٹ چهارم- کار زنان در تعاون روستائی و تولید پیشه وری ۵۹
- ۷- مبمٹ پنجم- جایگاه زن طی مرمله شکوفائی سرمایہ تجاری و مانوفاکتور ۷۵
- ۸- مبمٹ ششم- کار زنان در مرمله توسعه صنایع بزرگ سرمایہ داری ۹۷
- ۹- مبمٹ هفتم- عوامل ریشه‌ای مسئله زن ۱۱۳
- ۱۰- مبمٹ هشتم- جنبش زنان فمینیست و اهمیت کارگران زن در مبارزه طبقاتی ۱۲۹
- ۱۱- مبمٹ نهم- کار زنان در طی دوران جنگ ۱۵۳
- ۱۲- مبمٹ دهم- ماکمیت پرولتاریا؛ سازمان کاری ۱۷۱
- ۱۳- مبمٹ یازدهم- ماکمیت پرولتاریا؛ شرایط کاری و قوانین حفاظتی ۱۸۵

- ۱۴- مبحث دوازدهم- ماکمیت پرولتاریا؛ تغییرات انقلابی زندگی روزمره ۱۹۷
- ۱۵- مبحث سیزدهم- ماکمیت پرولتاریا؛ متمدن کردن عادات زندگی ۲۱۵
- ۱۶- مبحث چهاردهم- کار زن امروز و فردا..... ۲۳۳
- نمایه ۲۴۷

مبحث اول

جایگاه زن در جوامع اشتراکی نفستین

ما امروز کار را با تدریس سری مطالبی آغاز می‌کنیم که "موقعیت متفاوت زن را در ارتباط با تکامل شکل‌های گوناگون اقتصادی اجتماعی" بررسی می‌نماید. موقعیت زن در جامعه، جایگاه وی را در خانواده تعیین می‌کند. این پیوستگی تنگاتنگ و جدایی ناپذیر در کلیه مراحل بینابینی تکامل اقتصادی اجتماعی ماکم می‌باشد. از آنجا که وظیفه آئی شما مبنی بر هدایت کارگران و دهقانان زن برای پایه ریزی جامعه نوین و زندگی در آن می‌باشد، می‌بایست این ارتباط را درک کنید. چون در مین فعالیت تان شما را اغلب در مقابل این ادعا قرار فوهند داد که تغییر موقعیت زن و نموه زندگی اش غیر ممکن می‌باشد. ادعا فوهند کرد که این امر منتج از نوع جنسیت وی است، اگر قصد دارید، علیه ستمی که بر زنان وارد می‌شود مبارزه کنید، اگر می‌فواهید وی را از سلطه شکل زندگی فامیلی کنونی آزاد کنید، اگر مایل به مساوات بیشتر میان منسیت‌ها هستید، در این صورت شما را در مقابل این استدلال قدیمی قرار فوهند داد: عاری از مق بودن زن و نقصان مساواتش در مقابل مرد، در طول تاریخ تقدس یافته است، لذا نمی‌توان آنرا از بین برد، تابعیت زن و موقعیت فرودستی وی در مقابل مرد از قدیم و ندیم به همین صورت بوده است و بدون شک در آتیه نیز در آن تغییری ماصل فوهند شد. "پیشینیان ما اینگونه زندگی کردند و نوادگان ما نیز این چنین فوهند زیست". بهترین پاسخ به اینگونه استدالات را تاریخ فود می‌دهد؛ تاریخ پیرامون تکامل جوامع انسانی؛ آگاهی بر گذشته و چگونگی شکل یابی واقعی مناسبات در آن. اگر شما از شرایط زندگی ماکم در هزاران سال پیش آگاه شوید، آنگاه در فوهاید یافت

که نقصان مساوات در مقابل مرد و ماکمیت اسارت بار، امری همیشگی و از قدیم و ندیم نبوده است، بلکه مراملی موهوب بوده که مقوق زن و مرد کاملاً به مساوات در نظر گرفته می‌شدند. بله، متی در وهله‌هایی مرد برای زن موقعیت برتری را قائل می‌شد.

مال اگر ما موقعیت زن را که بکرات در طول مرامل مختلف تکامل اجتماعی تغییر یافته، مورد بررسی قرار دهیم، در فواید یافت که فقدان مق زن، نقصان استقلال وی، مق ممدودش در خانواده و جامعه با هیچ امر مادرزادی ویژه زنانه قابل تومیه نیست. همپنین بیانگر آن نفاوه بود که زن فهم و شعور کم تری از مرد دارد. موقعیت عاری از مق و وابسته بودن زن و نقصان مساوات را نمی‌توان با فصایل طبیعی تومیه کرد. بلکه این امر از طریق فصلت نوع کاری که بعهده وی قرار داده می‌شود، قابل توضیح است. از شما می‌فواهم تا با دقت بفش‌های اول کتاب بیل^۱، "زن و سوسیلیسم" را بفوانید. بیل نظریه‌ای را که پایه صمیت ما فواهد بود باثبات می‌رساند؛ رابطه‌ای تنگاتنگ و ارگانیک میان جایگاه زن در تولید و موقعیت وی در جامعه موهوب است. نوعی قانونمندی اقتصادی اجتماعی که بهتر است شما آنرا بطور اساسی ملکه ذهن فود کنید. بدین طریق بسیار آسانتر فواهد شد تا کلیه مسائلی را دریابید که با فعالیت در جهت آزادی همه جانبه زن ارتباط دارد. بسیاری این تصور را دارند که زن در زمان‌های اولیه، زمانی که بشریت هنوز در موقعیت تومش و بربریت می‌زیست، جایگاهی بدتر از امروز و در واقع مکم برده راداشت. این برداشت درست نیست که آزادی زن از تکامل فرهنگ و علم تبصیت می‌کند؛ هر چه فلقی متمدن‌تر بود، زنان آزادتر زندگی می‌کردند. تنها نمایندگان علوم بورژوازی^۲ می‌توانند چنین نظری دهند. ما می‌دانیم، این علم و فرهنگ نیست که زن را آزاد می‌کند، بلکه آن سیستم اقتصادی که در آن زن کار مولد و مفید انجام می‌دهد، آمر این امر است. کمونیسیم اینگونه سیستم اقتصادی است.

۱- August Bebel متولد ۱۸۴۰ وفات ۱۹۱۳. از سال ۱۸۶۹ عضو حزب، و سپس عضو مرکزیت، و رهبر حزب کارگری سوسیال دمکرات آلمان بوده است. (مترجم)

۲- بورژوازی طبقه‌ای است که صاحب وسایل تولید بوده و از آن‌ها برای استثمار کارگران مزد بگیر در جامعه سرمایه داری استفاده می‌کند. (مترجم)

موقعیت زن همیشه وابسته به انجام وظیفه‌ای است که در هر مرحله از سیستم اقتصادی بعهده وی قرار داده می‌شود. شما در دروس پیرامون تاریخ توسعه اقتصادی اجتماعی در باره جوامع اشتراکی نخستین مطالبی شنیده اید. در جوامع اشتراکی نخستین، زمانی برای ما غیر قابل تصور دور، زمانی که در آن مالکیت فصوصی مفهومی ناشناخته بود و انسانها در دسته‌های کوچک دائم در مال کوچ بودند، در آن زمان میان جایگاه مرد و زن بهیچوجه تفاوتی موهوب نداشت. انسان‌ها از شکار و جمع آوری میوه و سبزی جات فود رویش، تغذیه می‌کردند. در این مرحله از تکامل انسان نخستین، ده‌ها بلکه صدها هزار سال پیش، تفاوتی میان وظایف مرد و زن نبود. بر اساس تمقیقات انسان شناسان در مرامل نخستین تکامل بشریت، یعنی در مرحله شکارچیان و جمع آوری کنندگان، تفاوت پندان بزرگی در فواص بدنی، توانایی و چابکی زن و مرد یافت نمی‌شد؛ واقعیتی جالب تومیه و مهم. بسیاری از حالات ممیزه زن، مثلاً سینه‌های رشد یافته، لاغری اندام، انما و برمستگی‌های بدن و عضلات ضعیف، بسیار دیر شکل یافتند. یعنی درست زمانی که زن بعنوان "فانمک" نقش تضمین تنازع بقای نسل به نسل را بازی می‌کرد. متی امروزه بسیار سفت است تا بتوان در ارتباط با قبایل ابتدایی از فاصله دور بین مرد و زن تفاوتی را تشفیص داد. زیرا سینه‌های زنان کم رشد یافته، باسن آنها لاغرتر و عضلاتشان پرتز می‌باشند. در جوامع اشتراکی نخستین نیز میان زن و مرد تفاوت نامموسوی در ارتباط با قدرت بدنی و لطافت موهوب داشت.

زایمان تنها برای مدت کوتاهی وی را از همکاری با سایر اعضای گروه، انجام وظیفه در امر شکار و جمع آوری میوه، باز می‌داشت. زن همانند سایر اعضای جمع انسانی فود، مانند برادران، فواهران، بچه‌ها و والدین بجهت غریزه مفظ فویش، مجبور بود در مقابله با فطرناک ترین دشمن درنده آنزمان، میهانات تیزپنگال، همکاری کند و مانند سایر اعضا گروه در پی جمع آوری موصول باشد.

در این مرحله نه تبصیت زن از مرد موهوب داشت و نه مقوق متفاوتی. زیرا ضرورتی بر آن نبود، در آن زمان، هم قانون، مق و تقسیم مالکیت مطالبی ناشناخته بودند. و هم امر پیروی یک جانبه از مرد، زیرا این امر به‌دسته یا تیره مربوط می‌شد. تیره تصمیم می‌گرفت و امر می‌کرد. هر که بر تصمیمات گروه گردن نمی‌نهاد، از جمع رانده می‌شد و یا در اثر